

اجتماعی و زیست محیطی می پردازد. کتاب «ارزیابی تهدیدات» نیز که از سوی این مرکز منتشر شده است در مجموع ۵ مقاله را در برمی گیرد که مهمترین تحولات تهدید کننده امنیت جهانی را از چهار دیدگاه آمریکا، اروپای غربی، روسیه و آسیای شمال شرقی بررسی می کند. نخستین مقاله رویکرد اروپا را به مسایل امنیتی گوناگون مورد بحث قرار می دهد. این بخش توسط «ترزه دلپش» Therese Delpech، مدیر امور راهبردی کمیسیون انرژی اتمی فرانسه و نگارنده سه کتاب و مقالات مختلف در زمینه امنیت جهانی، نوشته شده است. مقاله دوم مخاطراتی را که به وسیله تسلیحات انهدام جمعی و تروریسم، آمریکا را تهدید می کند و سیاست دولت بوش در برابر این تهدیدات را بررسی می کند. این فصل به قلم «جان نیوهاوس»، ویراستار کتاب مذکور و از مشاورین پیشین وزارت امور خارجه آمریکا، نگاشته شده است. فصلهای سوم و چهارم کتاب به بررسی امنیت روسیه اختصاص یافته است؛ چرا که مسکو همچنان دوسوم از تسلیحات هسته ای جهان را در اختیار دارد

ارزیابی تهدیدات: بی ثباتی، گسترش تسلیمات، تروریسم و یکجانبه گرایی

John Newhouse (ed.), *Assessing The Threats: Instabilities, Proliferation, Terrorism, Unilateralism*, Washington D.C: Center for Defense Information, 2002, 119 pages.

دکتر سعادت طهماسبی دهکردی

کارشناس دفتر همکاریهای بین المللی

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

مرکز اطلاعات دفاعی یک سازمان خصوصی آمریکایی است که به پژوهش درباره امنیت جهانی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی،

و علاوه بر آن منطقه وسیعی از جمهوریه‌های آسیای مرکزی را که از مراکز فعالیت گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود، در بر گرفته، به عنوان یک قدرت بزرگ شرایط انتقال داخلی را تجربه می‌کند، دارای منافع حیاتی در اروپا و آسیاست و می‌تواند بر تحولات هر دو قاره تاثیرگذار باشد. بنابراین، سومین مقاله به قلم «آلکسی آرباتوف» Alexei Arbatov، مشاور پیشین وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه و عضو دومای دولتی روسیه و نویسنده کتابها و مقالات متعدد در زمینه‌های امنیت جهانی، ثبات استراتژیک، خلع سلاح و اصلاحات نظامی روسیه، چهارمین مقاله به قلم دکتر «ایوان سافرانچوک» Ivan Safranchuk، تحلیلگر امور هسته‌ای روسیه، تهدیدات امنیتی از دیدگاه مسکو را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. پنجمین فصل کتاب به قلم دکتر «یوئیچی فوناباشی» Yoichi Funabashi، روزنامه‌نگار مشهور ژاپنی و صاحب‌نظر در حوزه سیاست خارجی ژاپن، تاثیر برنامه دفاع موشکی آمریکا را بر کشورهای آسیای شمال شرقی و ثبات کلی منطقه بررسی می‌کند.

مطالب مطرح شده در این کتاب با وجود آنکه تمامی عوامل تهدید کننده امنیت جهانی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، لکن نوعی نگرش کلان پیرامون امنیت جهانی به ویژه در شرایط به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را ارائه می‌دهد که توجه به آن برای پژوهشگران امور امنیت بین الملل ضروری ارزیابی می‌شود. اما به دلیل اینکه هر کدام از فصلهای کتاب توسط یک مؤلف به رشته تحریر در آمده است نوعی ناهماهنگی و عدم انسجام در مطالب آن به چشم می‌خورد. به طور کلی، فصلهای یکم، سوم و چهارم که در مورد تهدیدات امنیتی از دیدگاه اروپا و روسیه بحث می‌کنند، مطالب جامعتری را نسبت به فصلهای دوم و پنجم ارائه می‌دهند. با این وجود، برخی از تهدیدات مطرح شده تا جایی حایز اهمیت است که توجه به آنها در تنظیم راهبرد امنیت ملی کشورمان نیز مهم به نظر می‌رسد (به بیشتر این موارد در ادامه نوشتار پیش روی اشاره شده است). اما در مجموع این کتاب نمی‌تواند تصویر روشنی از امنیت جهانی پس از ۱۱ سپتامبر و به ویژه تاثیر این رویداد بر گسترش یا

مشترک تا سال ۲۰۰۳ یکی از واکنشهای اروپا به آن محسوب می شود، اما اروپا بدون ارایه ارزیابی خاصی در مورد انواع تهدیدات احتمالی برای دفاع جمعی، اتکای به ناتورا همچنان ادامه می دهد.

نویسنده در ادامه به این نکته اشاره می کند که بر خلاف گرایش آمریکا برای مبالغه آمیز جلوه دادن انواع تهدیدات، تمایل به نادیده گرفتن تهدیدات در اروپا رایج است. (ص ۱۲) به نظر وی، سیاست محافظه کارانه کشورهای نظیر اتریش، ایرلند، سوئد و فنلاند که دفاع و امنیت مشترک را در خارج از حیطه اتحادیه به انجام عملیات حفظ صلح محدود می کنند، این ویژگی را تقویت کرده است و حتی کشوری مانند فرانسه که از لحاظ توان نظامی متعارف، دومین قدرت عمده اتحادیه اروپا پس از بریتانیا محسوب می شود، این موضوع را که با دشمنانی روبه روست، نمی پذیرد تا جایی که به نظر نویسنده به واسطه اتکای مفرط به آمریکا فرهنگ بی مسئولیتی در سرتاسر اروپا تقویت شده است. همچنین اروپا به دلیل ضعف سیستمهای اطلاعاتی تقریباً نمی تواند

تضعیف امنیت و همکاریهای بین المللی ارایه دهد. در ادامه، هر یک از بخشهای این کتاب به ترتیب مورد توجه قرار گرفته و چکیده ای از مهمترین نکات مطرح در آن ارایه می شود.

۱. امنیت اروپا

نخستین مقاله به بررسی امنیت اروپا پرداخته است. ترزه دلپش در ابتدای بحث به کاسته شدن از اهمیت مرزها برای کشورهای اروپایی پس از فروپاشی شوروی اشاره کرده و می نویسد: «اروپا قرن ۲۱ را با برخورداری از امنیتی که طی تاریخ آن سابقه نداشته است، آغاز کرد. چرا که بر خلاف روسیه، انسجام و همگرایی داخلی خویش را تحکیم کرده و بر خلاف آمریکا به دنبال انجام تعهدات امنیتی در سطح جهان نبود و همچنین بر خلاف آسیای شرقی، بین اعضای اتحادیه اروپا که سیاست دفاعی و امنیتی مشترکی را پایه ریزی کرده اند، بروز یک جنگ عمده قابل تصور نمی باشد.» (ص ۱۱) اما جنگ طولانی در بالکان حتی بیش از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، اروپا را با چالشهای امنیتی جدیدی روبه رو کرد که تشکیل یک نیروی ۵۰ تا ۶۰ هزار نفره

ارزیابیهای آمریکا را در مورد اهمیت انواع تهدیدات زیر سؤال برد و اغلب به جای ارایه دیدگاههای خویش بر مبنای تحلیلهای دقیق فنی و اطلاعاتی، بر اساس تحلیل سیاسی واکنش نشان می دهد. (ص ۱۳)

مواضع اخیر کشورهای اروپایی در برابر سیاست آمریکا مبنی بر بزرگ نمایی خطرات ناشی از ادامه حکومت صدام در عراق را می توان شاهدی بر این ادعای نویسنده تلقی کرد. وزیر خارجه آمریکا با تکیه بر اطلاعات جمع آوری شده توسط دستگاههای اطلاعاتی آن کشور، اعضای اتحادیه اروپا را به حمایت از ائتلاف جنگ با عراق ترغیب نمود، اما کشورهای اروپایی به دلیل فقدان سیستم نیرومند اطلاعاتی از توانایی ارزیابی ادعاهای آمریکا در مورد میزان تهدید سلاحهای انهدام جمعی عراق برخوردار نمی باشند.

به نظر نویسنده، کشورهای اروپایی غالباً تنها سه منطقه را با امنیت اروپا پیوند می دهند که این مناطق عبارتند از: روسیه و جمهوریهای سابق اتحاد شوروی، بالکان و مدیترانه که خاورمیانه را نیز در بر می گیرد. تنها دو کشور انگلیس و فرانسه به دلیل

پیشینه مستعمراتی و موقعیت کنونی خود به عنوان اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد، دیدگاه جهانیتری را نسبت به امور امنیتی ارایه می دهند و با وجود آنکه قدرتهای متوسطی محسوب می شوند، در مورد امنیت همانند قدرتهای بزرگ می اندیشند، اما بر خلاف آمریکا عهده دار انجام تعهدات امنیتی عمده ای در سطح بین الملل نمی باشند. نویسنده در ادامه این مقاله مناطق فوق را به لحاظ ارزیابی تهدیدات و ملاحظات امنیتی برای اروپا مورد بررسی قرار می دهد. به نظر وی، روسیه طی ۱۵ سال گذشته باعث بروز بیشترین تغییر و تحولات در نقشه اروپا شده و امروزه نیز آینده آن کشور متغیر عمده ای برای اروپا محسوب می شود، اما اتحادیه فاقد راهبرد مشخصی در قبال روسیه بوده و مسکو اتحادیه اروپا را به جای یک مجموعه منسجم، تعدادی کشور منفرد تلقی می کند. (ص ۱۵) تا جایی که راهبرد آمریکا در برابر روسیه پس از ۱۱ سپتامبر به هماهنگی بیشتری رسیده و واکنش پوتین به آن واقعه منجر به آغاز دوران نوین همکاری بین آمریکا و روسیه شده است.

به نظر نویسندگان، افزایش نقش در امور امنیتی اروپا و مناسبات نزدیکتر با اتحادیه اروپا و ناتو از اهداف ده ساله اخیر مسکو محسوب می شود و وجود منافع مشترک عمده بین روسیه و اروپا، به ویژه کمک به حفظ صلح در بالکان و مهار تروریسم امکان گسترش همکاریهای امنیتی دو طرف را فراهم می کند. وی به تهدیدات عمده ای مانند خطر گسترش تسلیحات هسته ای، قاچاق سلاحهای هسته ای، سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی و خطر انهدام انبارهای تسلیحات شیمیایی روسیه که زمینه گسترش همکاریهای امنیتی طرفین را فراهم می کند، اشاره می نماید.

بالکان

امکان بروز مجدد بحران در منطقه بالکان، به ویژه بی ثباتی در مقدونیه و امکان تقویت تروریسم بین المللی در این ناحیه از جمله تهدیداتی است که باید مورد توجه اروپا قرار گیرد. به نظر نویسندگان، به دلیل درگیری آمریکا در جنگ علیه تروریسم، مسئولیت حفظ ثبات در این منطقه بیشتر بر عهده

مدیترانه

یکی از مسائلی امنیتی عمده طی دهه های آینده، انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مدیترانه و خاورمیانه و یا عدم انجام اصلاحات و در نتیجه افزایش بی ثباتی و تهدیدات آن برای اروپاست. بحران اعراب و اسرائیل، نحوه حل مسئله عراق، آینده نظام سیاسی عربستان سعودی طی ده سال آینده، سرنوشت اصلاحات سیاسی-اقتصادی در مصر و الجزایر و وضعیت نظامی منطقه، به ویژه از لحاظ تسلیحات انهدام جمعی مهمترین مسائلی امنیتی مورد توجه اروپا محسوب می شوند.

نویسندگان در مورد تشدید اختلافات بین رژیم صهیونیستی و فلسطین به درستی به این نکته اشاره می کند که امروزه بیش از هر زمان دیگری آمریکا به تنها میانجیگر مؤثر منطقه مبدل شده است و اگر اروپا بدون تقویت نقش خویش همچنان به ارایه مساعدتهای مالی قابل ملاحظه ادامه دهد، مسئولیت امنیت خاورمیانه را بیش از پیش

به آمریکا واگذار کرده و از مهار منافع امنیتی خویش در این منطقه عاجز خواهد بود. سپس وی به مسئله عراق اشاره می کند و معتقد است برخی از کشورهای اروپایی در تغییر رژیم عراق به آمریکا کمک خواهند کرد. سومین مسئله عمده امنیتی منطقه که از نظر نویسنده باید مورد توجه اروپا قرار گیرد، آینده نامطمئن عربستان سعودی است. وی در این زمینه چنین توضیح می دهد: «درآمدهای عربستان طی ده سال گذشته به طور مستمر کاهش یافته و به دنبال رخداد ۱۱ سپتامبر، شکنندگی رژیم پادشاهی تشدید شده است. بحران اجتماعی در عربستان علاوه بر به مخاطره انداختن آن کشور، جهان را نیز مورد تهدید قرار می دهد، تا جایی که ۱۵ نفر از رابندگان هواپیماهایی که ۱۱ سپتامبر را پایه ریزی کردند، از شهروندان عربستان بوده و عدم حل این مسئله ارزیابی مجدد اتکای اروپا و همچنین آمریکا به عربستان سعودی را ضرورت می بخشد.» (ص ۲۱)

اهمیت آسیا

امنیت اروپا در قرن بیستم محور

امنیت جهانی محسوب می شد، اما به دنبال یک تغییر و تحول راهبردی، در قرن ۲۱ اروپا در موقعیت پیرامونی قرار گرفته و امنیت آسیا به محور امنیت جهانی تبدیل شده است. (ص ۲۱) افزایش خطر جنگ بین هند و پاکستان، دو کشور صاحب سلاح هسته ای، اروپا را تا حدی متوجه اهمیت این تغییرات کرده است. برخی از نکات مورد توجه نویسنده در این بخش عبارتند از:

- تعهدات امنیتی گسترده آمریکا در آسیا با توجه به آنکه اروپا، متحد عمده آن کشور محسوب می شود می تواند حایز پیامدهای امنیتی برای اروپا باشد، از جمله بروز بحران در کره، تایوان، آسیای جنوب شرقی یا حتی آسیای جنوبی؛

- روابط روسیه و چین و اینکه برای نخستین بار در تاریخ معاصر، روسیه در مقایسه با چین در موضع ضعف قرار گرفته است. آیا روسیه با ادامه رشد قدرت چین موافقت می کند و یا برای یافتن راههایی جهت محدود کردن آن تلاش خواهد کرد؟ مسکو تا چه حدی به دلایل اقتصادی (و نه راهبردی) به تسلیح چین ادامه می دهد؟

- فروش فناوری و سخت افزارهای

نفوذ دیپلماتیک اروپا را در بحرانهای بین‌المللی تقویت می‌کند. آمریکای طی دهه‌های آینده بیشتر درگیر مسایل خاورمیانه و آسیای شرقی خواهد بود و اروپا باید در دفاع از خود بیشتر سهمی شود، اما این سهم از نظر نویسندگان همچنان در قالب اتحاد و مشارکت با آمریکا قرار می‌گیرد. مهمترین نتایجی که در پایان این مقاله به آنها اشاره می‌شود، به شرح زیر قابل توجه می‌باشند:

- اروپاییان به جای هماهنگ کردن امکانات و بودجه‌های دفاعی خویش با تهدیدات، غالباً تهدیدات را از لحاظ قابلیت‌ها و بودجه دفاعی خود ارزیابی می‌کنند و در صورت عدم ارزیابی تهدیدات، تحول خاصی در این زمینه روی نخواهد داد. تا جایی که اروپا همچنان ماموریت‌های بشردوستانه را بر عهده می‌گیرد و آمریکا به تنهایی و یا با شمار اندکی از متحدین خود عهده‌دار عملیات نظامی در سطح بین‌المللی خواهد شد.

- روابط اروپا با کشورهای جنوب و شرق (به ویژه روسیه) دست کم طی دو دهه آینده در ابهام قرار خواهد داشت.

حساس توسط آسیای شرقی به خاورمیانه و آفریقای شمالی،

- بروز بی‌ثباتی‌های جدی در آسیا و تاثیرات آن بر اروپا.

نویسنده در ادامه به تسلیحات موشکی که اروپا را تهدید می‌کند و ضرورت همکاری با روسیه و آمریکا در این زمینه اشاره می‌کند. به علاوه، تروریسم به عنوان یک تهدید درونی موضوع دیگری در زمینه ملاحظات امنیتی اروپاست که مورد توجه وی قرار می‌گیرد.

امکان توافق آمریکا و اروپا در مورد تهدیدات مشترک

از نظر نویسنده، پذیرش اعضای جدید در اتحادیه اروپا و ناتو به موازات تقویت سیاست یک‌جانبه‌گرایی و اشنگتن باعث کاهش نقش نظامی ناتو خواهد شد، اما این شرایط ضمن بسط دیدگاه راهبردی اتحادیه، مسئولیت‌های امنیتی اتحادیه اروپا را نیز افزایش خواهد داد. (ص ۲۸) وی معتقد است اکنون زمان ایفای نقش عمده‌ای از سوی اروپا در عرصه بین‌المللی است و توسعه قابلیت‌های نظامی کشورهای اروپایی

– اروپا باید ضمن بسط دیدگاه خویش، نیروهای خود را برای نبرد با تهدیداتی فراتر از مرزهای این قاره تجهیز کند.

– افزایش تهدیدات تروریستی، ارزیابی مجدد و بسط سیاستهای دفاعی را ضرورت بخشیده است.

نویسنده در پایان به این نکته اشاره می کند که ادامه دوران تسلط آمریکا مستلزم رضایت سایر کشورهاست و همکاری بین المللی تنها واکنش مؤثر در برابر چالشهای راهبردی نوین محسوب می شود، بنابراین امنیت جهانی تنها در صورت همکاری جمعی قابل تامین خواهد بود.

۲. ارزیابی تهدیدات

دومین مقاله تحت عنوان «ارزیابی تهدیدات» به بررسی مخاطرات تروریسم بین المللی اختصاص یافته است. «جان نیوهاوس» در این مبحث تهدیدات تروریستی دولتی و غیردولتی را که اهمیت آن به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر مشخص شد، مورد توجه قرار می دهد. در این بخش پس از ارایه مقدمه ای تقریباً نامنسجم که به انواع

تهدیدات ناشی از گسترش سلاحهای کشتار جمعی اشاره می شود، تهدید تسلیحاتی روسیه مورد توجه قرار گرفته است. به نظر نویسنده، تهدید تسلیحات هسته ای روسیه به دلیل عدم نظارت کافی بر آنها، امروزه برای آمریکا بسیار بیشتر از دوران جنگ سرد است که دلایل آن عبارتند از: خطر دست یابی گروههای تروریستی به این تسلیحات، میزان توانایی روسیه برای جلوگیری از کاربرد تصادفی سلاحهای هسته ای، به ویژه پس از آنکه مشکلات اقتصادی مسکو را به قرار دادن تسلیحات هسته ای در ردیف نیروهای متعارف آن کشور ناچار کرده است و سیستمهای هشدار دهنده ماهواره ای روسیه که از توانایی لازم برخوردار نمی باشند. در نتیجه، گسترش موافقت نامه ها و تبادل اطلاعات بین آمریکا و روسیه برای رفع تهدیدات در این زمینه از نظر نویسنده ضروری ارزیابی می شود.

در ادامه به وضعیت تقریباً نامشخص توانایی هسته ای پاکستان و تهدیدات ناشی از خطر دسترسی سازمان القاعده به بخشی از این امکانات اشاره می شود و سپس تهدید ساخت چنین بمبهایی توسط گروههای

تروریستی که می تواند موجب آلودگی گسترده منطقه مورد حمله با مواد رادیواکتیو شود نیز، مورد توجه قرار می گیرد. تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک که تهدید ناشی از آن، به ویژه به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا و بیم از به کارگیری باکتری سیاه زخم محسوس تر شد، در ادامه مورد بحث قرار می گیرد و سپس نویسنده به تهدید موشکهای کروز و امکان تلاش دولتهای مختلف برای به دست آوردن انواع این موشکها به جهت کارایی بیشتر آنها در مقایسه با موشکهای بالستیک می پردازد. عدم عضویت برخی از کشورهای توسعه دهنده فن آوری موشکهای کروز نظیر چین، هند و اسرائیل در رژیم کنترل فن آوری موشکی MTCR، امکان تولید انواع پیشرفته آنها و امکان ساخت چنین موشکهایی به کمک قطعات موجود در بازار سیاه تسلیحات از جمله تهدیداتی است که در این بخش پیرامون آن بحث شده است.

در بخش دیگری تحت عنوان

«تسلیحات کشورهای یاغی» Rogue State به تهدید به کارگیری موشکهای بالستیک قاره پیما توسط ایران، کره شمالی، پاکستان،

عراق و لیبی علیه خاک آمریکا اشاره می شود. از دیدگاه نویسنده، برنامه های موشکی ایران و کره شمالی بخشی از راهبرد بازدارنده آن کشورها عمدتاً علیه دشمنان سنتی است. برای نمونه، هدف توسعه سیستمهای موشکی ایران از نظر وی مهار عراق، اسرائیل، عربستان سعودی و نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه می باشد. امکان فروش انواع پیشرفته موشکهای بالستیک توسط کره شمالی به ایران و پاکستان بزرگترین نگرانی واشنگتن در این زمینه است. از نظر سازمان سیا، استقرار موشکهای بالستیک قاره پیما اولویت اصلی برای ایران است، اما نویسنده به عدم وجود تحلیلی دقیق در این زمینه اشاره می کند. در این بخش به سایر عوامل بالقوه ای که می تواند خاک آمریکا را مورد تهدید قرار دهد اما کمتر به آنها پرداخته می شود نیز اشاره شده است، نظیر به کارگیری کشتیهای باری عازم بنادر آمریکا یا کامیونهای تانکر حاوی سوخت برای عملیات تروریستی.

نویسنده چند جنبه گرایی مستمر را به عنوان مناسبترین راه حل برای مهار

مسایل ناشی از تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی مورد تحلیل قرار می دهد. به نظر وی، دفاع منفعل Passive بر مبنای انعقاد موافقت نامه بین کشورها و نهادهای بین المللی بهترین وسیله محدود کننده گسترش تسلیحات مخرب می باشد. همچنین از دیدگاه نویسنده، تلاش برای قطع حمایت مالی از کانونهای تروریستی باید به صورت چند جانبه صورت گیرد و تبادل اطلاعات بین دستگاههای اطلاعاتی آمریکا و متحدان آن کشور در مهار تهدیدات مختلف می تواند به صورت مؤثری به کار گرفته شود.

در پایان، مهار سازمان القاعده و حل اختلاف اعراب-اسرائیل و ایجاد ثبات در افغانستان از اولویتهای اصلی دولت بوش قلمداد شده و ضرورت اقدام در زمینه تسلیحات انهدام جمعی در اولویت بعدی قرار می گیرد؛ زیرا تهدیدات ناشی از آن را چندان قابل اهمیت ندانسته و به این نتیجه می رسد که اختلاف نظر بین آمریکا و متحدان اروپایی آن کشور به دلیل سیاست یک جانبه گرایانه دولت بوش که با ارایه دیدگاههایی نظیر نامیدن عراق، ایران و کره شمالی به عنوان محور شرارت

برجستگی بیشتری یافته است، افزایش می یابد، اما به نظر نویسنده، بسیاری از این تهدیدات تنها از طریق گسترش همکاری و سیاست چند جانبه گرایی قابل مهار است.

۳. امنیت روسیه

آلکسی آرباتوف در این بخش امنیت روسیه و ارتباط غرب با آن را مورد بررسی قرار می دهد. محدودیتهای مالی یکی از عوامل اصلی تعیین کننده دفاع راهبردی روسیه محسوب می شود؛ زیرا بودجه دفاعی روسیه تنها حدود ۱۰ درصد از هزینه های نظامی آمریکاست و به این لحاظ مسکو نمی تواند بودجه مقابله با طرحهایی نظیر سیستم دفاع موشکی آمریکا را تامین کند. توسعه و استقرار دفاع هوایی و موشکی پیشرفته مستلزم اختصاص دست کم ۴۵ درصد از بودجه دفاعی روسیه به نیروهای استراتژیک آن کشور است و این اقدام موجب تضعیف بیشتر نیروهای متعارف روسیه در برابر ارتش کشورهای نظیر ترکیه شده و حتی توان این نیرو برای انجام عملیات محلی یا عملیات حفظ صلح را نیز تضعیف می کند. بنابراین، روسیه باید

بودجه نظامی آن کشور را از ۳٫۵ درصد تولید ناخالص ملی به ۵ تا ۶ درصد برساند که در وضعیت کنونی برای آن کشور امکان پذیر نیست.

ثبات استراتژیک

استراتژیستهای روسی در حال حاضر از اصل کلاسیک ثبات استراتژیک به شدت حمایت می کنند. پیمان منع گسترش سیستمهای دفاعی ضد موشک بالستیک بین آمریکا و روسیه به مدت ۳۰ سال مهمترین محور ثبات استراتژیک محسوب می شد، اما آمریکا تمامی این ترتیبات را به صورت یک جانبه لغو کرد. عملکرد یک جانبه و مبتنی بر برتری نظامی و اقتصادی آمریکا موجبات رنجش عمیق روسیه را فراهم نمود با این وجود، بازدارندگی متقابل همچنان مبنای اصلی مناسبات راهبردی آمریکا-روسیه شمرده می شود، لکن این موضوع در روابط کلی دو کشور دیگر نقش محوری را ایفا نمی کند. عدم تمایل آمریکا برای پذیرش پیشنهادات روسیه در مورد کاستن از نیروهای استراتژیک تهاجمی به حد ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کلاهک، طرح آمریکا

برای حفظ هزاران کلاهک هسته ای برچیده شده طبق توافقات دوجانبه در انبار تسلیحات و ادامه هدف گیری روسیه توسط سلاحهای هسته ای آمریکا، سوءظن مسکو نسبت به سیاست واشنگتن را تقویت می کند. از دیدگاه مسکو، کاهش یک جانبه و همچنین تجدید ساختار نیروهای تهاجمی روسیه موجب کاهش علاقه واشنگتن به مذاکره شده است؛ زیرا روسیه پیش از مذاکره، شرایط دلخواه آمریکا را فراهم نموده است. اصلاح پیمان منع گسترش سلاحهای ضد موشک بالستیک از دیدگاه روسیه باید دفاع در برابر تهدیدات موشکی کشورهای یاغی و گروههای غیر دولتی را مجاز شمرده، اما دفاع موشکی را تا حد حفظ مناسبات باثبات استراتژیک بین آمریکا و روسیه محدود نماید. اگر برنامه تکمیل سیستم دفاع موشکی تا حد رسیدن به توانایی انهدام ۲۰۰ کلاهک از سوی آمریکا دنبال شود، ثبات استراتژیک و توانایی بازدارندگی روسیه از میان خواهد رفت. (ص ۷۷)

عامل چین

روسیه و چین در حال حاضر روابط بسیار دوستانه ای برقرار کرده اند که به نظر نویسندگان، تا حد زیادی نتیجه سیاست غرب در برابر مسکو است (اختلاف نظر در مورد پیمان منع گسترش سیستمهای دفاع ضد موشکی، گسترش ناتو و مواضع ژاپن در قبال جزایر کوریل). با این وجود، چین به دلیل قدرت فزاینده اقتصادی و نظامی و هم‌جواری با سیبری و خاور دور روسیه موجبات نگرانی عمیق مسکو را فراهم می‌کند. طبق ارزیابیهای روسیه، چین طی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده بیش از ۱۰۰۰ کلاهک هسته‌ای و موشک دوربرد در اختیار داشته و این میزان قابلیت هم‌اوردی با نیروهای راهبردی روسیه را خواهد داشت که در این صورت چین می‌تواند به عنوان طرف اصلی مذاکرات تسلیحات استراتژیک با آمریکا جایگزین روسیه شده و موقعیت کنونی مسکو را در نظام بین الملل اشغال کند. همچنین تقویت توان موشکی چین می‌تواند موجب گسترش سلاحهای موشکی و هسته‌ای در بین کشورهای همسایه روسیه (هند، پاکستان، ایران، عراق، ژاپن، تایوان،

کره جنوبی و کره شمالی) شده و پیامدهای نظامی و مالی بسیاری برای آن کشور به دنبال داشته باشد. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که سیاست آمریکا در مذاکرات تسلیحات استراتژیک، دفاع موشکی، گسترش ناتو به شرق و مشارکت مسکو در تصمیمات مرتبط با آن، تصویب پیمان جامع منع آزمایشات هسته‌ای، حضور نظامی غرب در کشورهای مشترک المنافع روسیه، سیاست در قبال کشورهای یاغی و نحوه اجرای عملیات ضد تروریسم، در مناسبات متقابل روسیه-آمریکا و کشورهای اروپایی اهمیت تعیین کننده ای خواهد داشت و سیاست خارجی پوتین پس از ۱۱ سپتامبر نشانگر آمادگی برای پاسخگویی به درخواستهای غرب برای تامین امنیت بین الملل در قرن ۲۱ بوده است.

۴. تهدیدات مختلف علیه روسیه

این بخش نیز به ارزیابی انواع مخاطراتی که امنیت ملی روسیه را تهدید می‌کند، پرداخته است. ایوان سافرانچوک در ابتدا می‌نویسد: «اگر چه روسیه پیدایش

روسیه نشان می‌دهد. همچنین پس از تهاجم تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا، نظر سنجی انجام شده نشان داد که ۷۲ درصد از مردم روسیه موافق حمایت از آمریکا در جنگ علیه تروریسم می‌باشند. جهات جغرافیایی (غرب، شرق یا جنوب) برای دسته بندی تهدیدات امنیتی بالقوه مورد استفاده محافل داخلی روسیه قرار می‌گیرد. دیدگاه غالب از اوایل دهه ۱۹۹۰ مهمترین تهدیدات متوجه امنیت روسیه را از جانب شرق و جنوب دانسته، اما به صورت رسمی غرب همچنان یکی از تهدیدات بالقوه تلقی می‌شود.

تهدید غرب

به دنبال پایان جنگ سرد، دیگر آمریکا به عنوان تهدیدی مستقیم علیه روسیه ارزیابی نشده و منافع روسیه را تنها در برخی مسایل و در بعضی از مناطق مورد چالش قرار می‌دهد. با این وجود، مسکو موضوع گسترش ناتو و تغییر ماموریت‌های این سازمان را با حساسیت زیادی دنبال می‌کند، اما بیشتر نگران کنار گذاشته شدن از فرایند همگرایی اروپا و امنیت مشترک

نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا را پذیرفته است، لکن حق انتقاد از آن را برای خود محفوظ می‌داند و با وجود آنکه این نظم را به چالش نمی‌کشد، اما توجه به مسایل امنیت ملی خویش را که بیشتر جنبه داخلی دارند، در اولویت قرار می‌دهد. « به نظر وی، امنیت جهانی از جمله جنگ علیه ترور اساساً برای روسیه یک موضوع سیاسی است، بنابراین مسکو برای حفظ ثبات بین المللی حتی حاضر به ارایه انواع کمک‌های تدارکاتی نیز می‌باشد. درک سیاست روسیه در قبال نظم نوین جهانی برای بررسی نحوه ارزیابی آن کشور در مورد تهدیدات حایز اهمیت است با این وجود، تهدیدات مشترک متعددی که آمریکا و روسیه را در مخاطره قرار می‌دهند مستلزم گسترش همکاری‌های متقابل بین دو کشور است.

نوع تهدید از دیدگاه روسیه

نویسنده در این بخش نگرش افکار عمومی روسیه به عوامل تهدید کننده آن کشور را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آمار مختلف، اهمیت بیشتر تهدیدات بیرونی و دشمنان خارجی را برای افکار عمومی

اروپایی است. عضویت در ناتو و یا مشارکت برابر با این سازمان نیز به عنوان گزینه هایی جهت حل این مساله مورد توجه روسیه قرار گرفته است. به نظر نویسنده پس از به قدرت رسیدن پوتین، مسکو با سوء ظن بیشتری به غرب می نگرد. وی از یکسو با دیدار از کوبا و کره شمالی به دنیای غرب هشدار داد، لکن از سوی دیگر به غرب نشان داد که اصلاحات داخلی روسیه ادامه خواهد یافت. سرانجام به دنبال به قدرت رسیدن بوش در آمریکا، پوتین همکاری با غرب را در جهت تامین منافع روسیه تقویت کرد. با این وجود، دکترین نظامی روسیه برای دو تهدید عمده خارجی شامل جنگ اطلاعاتی و برتری قابل ملاحظه غرب در زمینه فناوریهای نوین اولویت قائل می شود.

تهدید شرق

چین همچنان به عنوان تهدید بالقوه و رقیب استراتژیک روسیه در قرن ۲۱ محسوب می شود، لکن مسکو ضمن اجتناب از رقابت آشکار با پکن از مشارکت استراتژیک بین دو کشور که بیشتر بر مبنای همکاریهای فنی و نظامی است، سخن می گوید. چین بزرگترین

مصرف کننده فناوریهای نظامی روسیه است با این وجود ملاحظات سیاسی مانع از فروش پیشرفته ترین فناوریهای نظامی روسیه به چین می شود. امضای پیمان دوستی و همکاری بین طرفین در ژوئیه ۲۰۰۲ مانع از بهبود مناسبات روسیه و غرب به دنبال تهاجم ۱۱ سپتامبر به آمریکا نشد زیرا هدف بلند مدت روسیه، گسترش روابط با غرب است و برخلاف ارزیابی مقامات چینی، پیمان مذکور تضعیف روابط مسکو و واشنگتن را به دنبال نداشت. روسیه و چین با تلاش برای حسن همجواری می کوشند تا منابع خویش را صرف حل سایر معضلات نمایند و از نظر نویسنده، بروز تنازع بین طرفین طی دهه های آینده محتمل به نظر می رسد. نوسازی ارتش چین و تشکیل یک نیروی نظامی حرفه ای، آمادگی پکن را برای درگیری در منازعات محلی و منطقه ای تقویت می کند.

تهدید جنوب

این تهدیدات بیشتر از درون مرزها تمامیت سرزمینی روسیه را در مخاطره قرار می دهند. تهدیدات نظامی خارجی در این بخش بیشتر به شکل ایجاد پایگاههای ضد

تروریسم

دکترین نظامی روسیه، احتمال حمله مستقیم از جمله تهاجم هسته ای علیه آن کشور را اندک دانسته، لکن عملیات خرابکارانه، تروریسم و فعالیت‌های مشابه آن را حتی در حوزه تسلیحات اتمی روسیه از مهمترین تهدیدات ارزیابی کرده است.

تهدیدات هسته ای

مواجهات غیر هسته ای منطقه ای یا جهانی از دیدگاه روسیه قابل تبدیل به منازعه هسته ای است. مسکو احتمال تهاجم هسته ای مستقیم به آن کشور را بسیار اندک دانسته و تسلیحات هسته ای را بیشتر به عنوان ابزار سیاسی به کار می‌گیرد و به دنبال پایان جنگ سرد به طور مداوم از توانمندی‌های غیر متعارف خود کاسته است.

سیاست عدم گسترش سلاح‌های گشتار جمعی و تسلیحات هسته ای

امنیت ملی روسیه توسط کشورهای که در پی کسب و توسعه چنین سلاح‌هایی می‌باشند، تهدید می‌شود، بر این اساس، مسکو نیز همانند واشنگتن همکاری

روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز است. به نظر نویسندگان، ناتوانی دولتهای مانند پاکستان و گرجستان در زمینه نظارت سرزمینی و تامین ثبات منطقه ای شرایط مناسبی را برای فعالیت سازمانهای تروریستی فراهم کرده است و علاوه بر آن، تولید سلاح‌های گشتار جمعی توسط ایران و عراق نیز می‌تواند مشکلاتی را برای روسیه ایجاد کند. وی نتیجه می‌گیرد که با چنین دیدگاهی، نفوذ گسترده نظامی یک قدرت جهانی نظیر آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند برای مسکو قابل پذیرش و ضروری تلقی شود. (ص ص ۹۲-۹۳) تعیین دریای خزر به عنوان منطقه منافع ملی آمریکا توسط مقامات واشنگتن، واکنش‌های منفی مسکو را طی سالهای دهه ۱۹۹۰ برانگیخت، اما موضع گیری روسیه در این زمینه طی سال ۲۰۰۱ متحول شده است تا جایی که به صورت ضمنی با استقرار سربازان آمریکایی در ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و گرجستان موافقت کرده، زیرا ایجاد یک کمربند امنیتی در جنوب روسیه توسط آمریکا تا حد زیادی هم سو با منافع مسکو ارزیابی می‌شود.

بین‌المللی برای مهار چنین مخاطراتی را ضروری می‌داند. (ص ۹۶) با این وجود، تروریسم بین‌المللی بسیار بیش از اروپا و روسیه، آمریکا را مورد تهدید قرار می‌دهد. نویسنده در این بخش سپس وضعیت نگهداری تسلیحات هسته‌ای روسیه را بررسی کرده و به مخاطرات مختلف در این زمینه توجه می‌کند. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که با وجود تاثیر بحران چین بر نحوه دیدگاه روسیه به تروریسم، حفاظت آسیای مرکزی و قفقاز در برابر توسعه نفوذ نیروهای اسلامی رادیکال، مصونیت مسکو را در برابر تهدیدات تروریستی افزایش می‌دهد. به نظر وی، احتمال آنکه روسیه در معرض تهاجم دشمنان سنتی خویش یعنی آمریکا، ناتویا چین قرار گیرد، وجود ندارد. بنابراین مسکو با نادیده گرفتن برخی از تهدیدات، توجه خویش را به حل مشکلات داخلی خویش معطوف کرده است، اما توسعه داخلی نمی‌تواند تامین‌کننده امنیت روسیه باشد، همچنان که آمریکا با وجود توسعه قابل ملاحظه، همچنان در معرض تهدید تروریسم بین‌المللی قرار دارد.

۵. مشکلات راهبردی در آسیای شمال شرقی

نویسنده این بخش در ابتدا به تصمیم دولت آمریکا برای تکمیل سیستم دفاع موشکی و گسترش همکاریهای مسکو و واشنگتن پس از ۱۱ سپتامبر و تاثیر این تحولات در وضعیت استراتژیک آسیای شمال شرقی اشاره کرده و تهدیدات موشکی در این منطقه را مورد توجه قرار می‌دهد. تقویت توان موشکی کره شمالی و چین و زرادخانه موشکهای هسته‌ای قاره پیمای روسیه از مهمترین دلایل تکمیل سیستم دفاع موشکی آمریکا شمرده می‌شود. نویسنده در ادامه به بررسی دلایل موافقت یا مخالفت کشورهای منطقه با این سیاست آمریکا پرداخته و به طور کلی سه کشور ژاپن، کره جنوبی و تایوان را جزو حمایت‌کنندگان دفاع موشکی قلمداد کرده و کشورهای چین، روسیه و کره شمالی را مخالف با این برنامه می‌داند. ژاپن با توجه به افزایش تهدیدات از جانب چین و کره شمالی از سال ۱۹۹۹ همکاری محتاطانه‌ای را با آمریکا در زمینه کمک به امور پژوهش و پیشرفت سیستم دفاع

پیامدهای سیاسی این اقدام نیز به عنوان یکی دیگر از دلایل نگرانی روسیه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا مسکو نظیر پکن، پیشرفت در این زمینه را باعث تحکیم برتری نظامی و راهبردی واشنگتن دانسته و آن را گام دیگری به سوی نظام تک قطبی مورد حمایت آمریکا تلقی می‌کند. در ادامه مقاله، پیامدهای منطقه‌ای سیاست تکمیل سیستم دفاع موشکی توسط آمریکا مورد بحث نویسنده قرار گرفته و در این زمینه با توجه به اتخاذ سیاستهای انزو و اطلبانه و یا مداخله جویانه به وسیله واشنگتن، احتمالات گوناگونی مطرح می‌شود.

موشکی آغاز کرد، اما پیشرفت آمریکا در این زمینه باعث خنثی شدن بازدارندگی حداقل چین در برابر آن کشور شده و در نتیجه، مقامات پکن همواره از برنامه‌های دفاع موشکی واشنگتن انتقاد می‌نمایند. لکن در این بین تایوان بسیار علاقه‌مند به سیستم دفاع موشکی بوده و برای به دست آوردن قابلیت‌های دفاع مستقل در برابر توانایی موشکی چین تلاش می‌کند.

به نظر نویسنده، تهدید موشکی کره شمالی مهمترین عامل تعیین کننده وضعیت دفاع موشکی در آسیای شمال شرقی است، اما کره جنوبی بیش از هر کشور دیگر منطقه در معرض تهدید موشک‌های کوتاه برد پیونگ یانگ قرار دارد و دستاوردهای اخیر کره شمالی در زمینه موشک‌های دوربرد بیشتر ژاپن و آمریکا را تهدید می‌کند، بنابراین سؤال برخلاف موافقت توکیو برای همکاری در تکمیل سیستم دفاع موشکی، تسلیم فشار واشنگتن نشده است. روسیه نیز همانند چین و کره شمالی مخالف سیستم دفاع موشکی آمریکا است، زیرا در بلند مدت باعث از میان رفتن توانایی بازدارندگی هسته‌ای مسکو در برابر واشنگتن می‌شود.